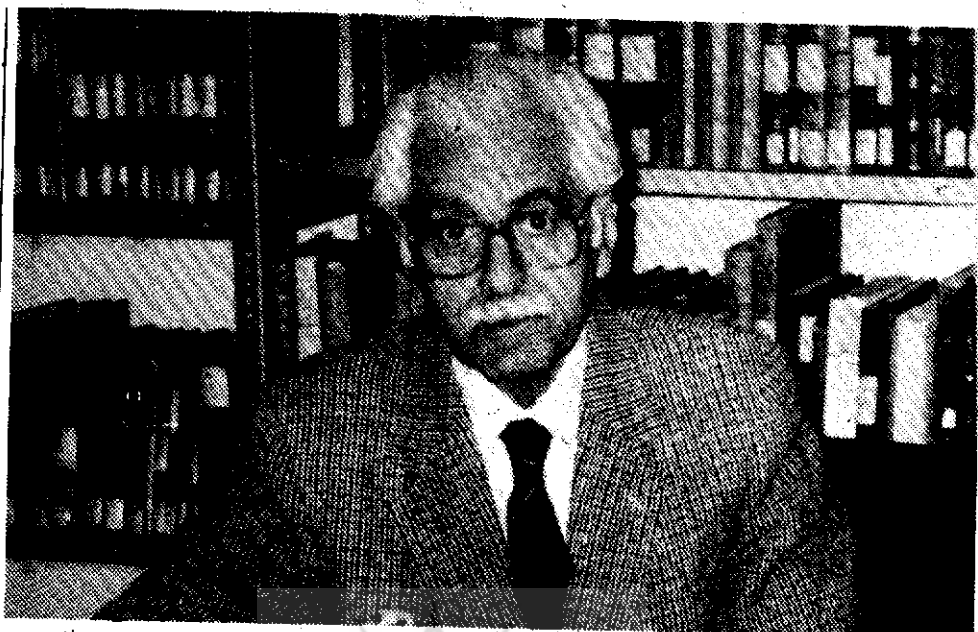


پروین اعتصامی و کتاب «تهمت شاعری به ما میسند»

بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۷۵ شمسی برابر با نودمین سال تولد و شانزدهم فروردین امسال مصادف با پنجاه و ششمین سال درگذشت شادروان پروین اعتصامی بزرگترین زنی سخنسرای ایران بود و به همین مناسبت در رسانه‌های گروهی مطالبی درباره‌ی ایشان گفته شد و چند جا نیز مجلس سخنرانی برپا گردید، از جمله در کتابخانه‌ی باغ فردوس شمیران و آنجا نگارنده مختصری در احوال و دلایلی در قطعیت شاعری پروین و ندامت نویسنده کتاب «تهمت شاعری...» از تألیف نسنجیده خود به سمع حضار آن مجلس رسانید. اینک برای آنکه مطالب و دلایل ابراز شده با ثبت در مجله گرامی کلک سمت دوام بیابد و به نظر افراد بیشتری برسد و رفع تردید احتمالی از ذهن کسانی که کتاب مورد اشاره را خوانده‌اند و یا در آینده ممکن است بخوانند، بکند آن جمله را اینجا نقل می‌نماید:

یک - مرحوم ملک الشعراء بهار دیباچه‌ای بر چاپ اول دیوان که در ۱۳۱۴ شمسی، یعنی در زمان حیات پروین اعتصامی طبع شده است نوشته‌اند و در چاپهای بعدی دیوان نیز نقل شده است و دارندگان دیوان آن را در اختیار دارند و مطالعه کنندگان دیوان را هم بدان دسترس است، گمان ندارم چون بهاری که خود شاعر و سخنشناس است اگر یقین نداشت که سروده‌ها از خود پروین است بر اشعار منحول با آنهمه تمجید و تحسین مقدمه‌ای می‌نوشت.

دو- شادروان سعید نفیسی مقاله مفصلی راجع به خانم پروین اعتصامی و چاپ سوم دیوان او (۱۳۲۳ شمسی) دارند که در چاپهای بعد نیز نقل شده است، در آغاز آن نوشته‌اند:



دکتر سید محمد دبیر سیاتی

عکس از علی دهباشی

« در سال ۱۳۱۴ که مرحوم یوسف اعتصامی نخستین چاپ دیوان پروین را به من از جانب دخترش داد هم پروین زنده بود و هم پدرش. این روزها که برادرش ابوالفتح اعتصامی نسخه‌ای از چاپ سوم این کتاب را برای من فرستاده، نه سال از آن تاریخ می‌گذرد. در این سه سال اخیر پروین در فروردین ۱۳۲۰ در سی و چهار سالگی درگذشت و پدرش نویسنده معروف «مجله بهار» و مترجم زبردست چهار سال پیش از آن در ۱۳۱۶ رخت از این جهان بر بسته بود، اما در همین مدت کوتاه سه چاپ از دیوان پروین انتشار یافته است و این می‌رساند که ادبیات ایران هر سه سال حوصله یک چاپ از آن کتاب را دارد. به یاد آوریم که در میان سرایندهگان زمان ما، حتی بسیاری از سخنسرایان روزگاران گذشته تاکنون کسی این سرنوشت را نداشته است و همین می‌رساند که چگونه فارسی زبانان به شعر او اقبال کرده‌اند...»

سه - مرحوم یوسف اعتصامی اعتصام‌الملک پدر پروین چنانکه اشاره شد در سال ۱۳۱۶ شمسی درگذشت، شادروان علامه علی اکبر دهخدا مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخچه زندگانی یوسف اعتصامی اعتصام‌الملک» در دی‌ماه ۱۳۱۶ نوشت که عیناً در مقدمه مجلد اول «مجله بهار» طبع دوم (ص «ب» تا «و») تجدید طبع شده است. در آن مقاله کار و کردار و تألیفات و ترجمه‌های مرحوم اعتصامی را بتفصیل ذکر کرده و مقاله را به این عبارات ختم کرده است:

«... از جمله بازماندگان او خانم پروین اعتصامی است که در سلاست و متانت شعر هم‌رتبه استادان قدیم نظم و در میان زنان ایران به شهادت تاریخ یگانه و فرید و گوهر رخشنده اکلیل



آخرین عکس از پروین اعتصامی که در بهمن ۱۳۱۹ برداشته شده است.

پروین اعتصامی
ما

مفاخر عصر حاضر است.»

چهار- مرحوم دهخدا به ملاحظاتی چند در لغتنامه دهخدا از نقل احوال و آثار معاصران خودداری داشت، جز چند مورد معدود که از جمله هدایت است و یکی همین خانم پروین اعتصامی، آن هم بسبب ارزشی که برای آثار آن دو قائل بود. درباره پروین «در لغتنامه دهخدا» می خوانیم:

«پروین - شاعره ایرانی، دخت مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک) طاب ثراه.

وی در ۲۵ اسفندماه ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد گردید. در کودکی با پدر به تهران آمد و بقیه عمر خود را در این شهر گذراند. ادبیات فارسی و عرب را نزد پدر آموخت و دوره مدرسه انائیه آمریکائی تهران را در خرداد ماه ۱۳۰۳ به پایان رسانید و در تیرماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود ازدواج کرد و او را شوهر به کرمانشاهان برد، لیکن این وصلت نامتناسب بیش از دو ماه و نیم نپایید و به خانه پدر بازگشت و تقریباً نه ماه بعد رسماً تفریق کردند. چندی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران سمت کتابداری داشت و در شب شنبه شانزدهم فروردین سال ۱۳۲۰ پس از دوازده روز ابتلا به مرض حصبه نیمه شب در تهران درگذشت و به قم در صحن جدید در مقبره خانوادگی پهلوی قبر پدر خود مدفون گردید. او از طفولیت (در حدود هفت سالگی) به شعر گفتن آغاز کرد، قریحه سرشار و استعداد خارق العاده وی مورد استعجاب فضلا و دانشمندی که با پدر او خلطه داشتند می بود... بعضی اشعار وی پیش از آنکه به صورت دیوان منتشر شود در

مُجلد دوم مجلّة بهار که به قلم پدر والاگهر او مرحوم یوسف اعتصام‌الملک انتشار می‌یافت چاپ می‌شد...»

به دنبال عبارت لغتنامه دهخدا لازم به یادآوری است که تنظیم حرف «پ» لغتنامه را از آغاز کلمه «پوده کباب» شادروان دکتر غلامحسین صدیقی برعهده داشتند و مطالب مستدرج در آن قسمت را با خود مرحوم دهخدا مقابله و تصحیح کرده‌اند و دنباله آن را تا پایان حرف مذکور، پس از اشتغال ایشان به امر وزارت نگارنده برعهده گرفت. بنابراین مقدمات آنچه درباره پروین آنجا نوشته شده است به جز مقدمه مرحوم بهار که بعد از شرح فوق نقل گردیده انشاء مرحوم دهخدا و یا لااقل مورد تأیید ایشان بوده است.

نگارنده با نویسنده کتاب «تهمت شاعری به ما می‌سند» که در آن نغی شاعری پروین شده است یعنی شادروان فضل‌الله گرکانی در وزارت دارائی همکار بودم. آن مرحوم نویسنده‌ای زبردست بود و قلمی شیوا داشت. پس از بازنشستگی از خدمت دیوان عارضه‌ای سبب شده بود که از حرکت و رفت و آمد و دید و بازدید باز بماند، آنطور که با تلفن اظهار می‌کرد به زحمت می‌توانست با اتومبیل فولکس واگن خود برای خرید مایحتاج از خانه به بازار رود و بازگردد، نیروی پیاده روی نداشت. روزی تلفن کرد که فلانی کتابی تألیف کرده‌ام، می‌خواهم نسخه‌ای از آن را برای شما بفرستم. نشانی دقیق محل کار جدید خود را بگویید. من نشانی لغتنامه دهخدا را که تازه از شهر به شمیران (باغ موقوفات دکتر محمود افشار یزدی) منتقل شده بود به ایشان دادم. چند روز بعد بسته‌ای بالفافی به خط ایشان (که تصویر آن را همین‌جا ملاحظه می‌فرمایید) رسید. عنوان کتاب جلب‌نظر می‌کرد، در اندک مدت سراسر آن را به دقت خواندم و بر کجروی همکار دیرین افسوس بسیار خوردم. به ایشان تلفن کردم و گفتم دوست گرامی، کاش پیش از تحمل رنج تألیف یا قبل از طبع کتاب و یا لااقل پیش از توزیع آن، نیت خود را با من در میان می‌گذارید تا با ارائه دلایل و شواهد شما را از پرداختن به این کار ناصواب باز می‌داشتم و سپس آنچه را در تأیید گفته خود داشتم با ایشان در میان نهادم. بسی متأسف گشت و چون مردی منصف و انسانی دل آگاه بود از کرده اظهار ندامت کرد و این خود به گمان بنده قلم عفوی بود بر کار نابجا و شتابزده‌اش. رحمة الله علیّه.